

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: جهاد جلسه هفتم تاریخ: ۸۷/۷/۲۲

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على خاتم الانبياء
والمرسلين سيدنا و نبينا أبا القاسم محمد و على أهل بيته الطيبين
الطاهرين المعصومين سبما بقية الله في الارضين واللعن على أعدائهم
أجمعين.

بعضی از آیات قرآن دارای معنای بسیار بلندی است از ابعاد
مختلف ممکن است مورد بحث و نظر قرار بگیرد. یکی از این آیات، آیه
۷۱ از سوره نساء بود، {يا ايها الذين امنوا خذوا حذرکم فانفروا ثبات او
انفروا جميعا} بعد از آن {و إن منكم لمن ليبطئن فإن أصابكم مصيبة
قال قد أنعم علیّ إذ لم أكن معكم شهيدا * و إن أصابكم فضل من الله
ليقولن كأن لم تكن بينكم و بينه مودة يا ليتنى كنت معكم فأفوز فوزا
عظيما * فليقاتل في سبيل الله الذين يشرون الحياة الدنيا بالآخرة و من
يقاتل في سبيل الله فيقتل أو يغلب فسوف نؤتيه أجرا عظيما} از آیه ۷۱
تا ۷۴ سوره نساء سوره چهارم قرآن مجید. آن جمله اول که مورد بحث
ماست (و بقیه را هم به مناسبت عرض می کنیم.) {يا ايها الذين امنوا
خذوا حذرکم} ای اهل ایمان آمادگی خودتان و استعداد خودتان در نظر
بگیرید، همیشگی به حالت آماده باش باشید.

آمادگی به چند قسمت تقسیم می شود، آیه در نظر دارد که کل ما
یخاف منه، هر چیزی که مسلمان ها از آن می ترسند، هر موضوعی که
به جامعه مسلمان ها آسیب وارد کند، باید نقاط آسیب را بشناسید و
جلوی آسیب پذیری جامعه را بگیرید، که امت اسلامی از هیچ جهت مورد
هجمه و رساندن آسیب قرار نگیرد. آیه یک معنای و وسیعی به این
اندازه دارد، بنده بر اساس فکر خودم، آمادگی را از چند جهت در اینجا
ذکر کردم، اول آمادگی علمی، چون اگر شما از لحاظ علم و فناوری و
تحقیقات عقب بمانید و دشمنان شما از لحاظ علم و تحقیقات از شما
جلو بیفتند از همان جهت به شما آسیب وارد می کنند. این جریان هم
جریانی است که هر روز زندگی بشر در تکامل است توفیقی ندارد.
حدیثی از حضرت محمد بن عبدالله (ص) در بحار است، {ما أعز الله
بجهل قط} خداوند هیچ ملتی را با جهل عزیز نمی کند، جهل همیشه
موجب عقب ماندگی و انحطاط است. این است که اولین آمادگی شما،
آمادگی علمی است. دوم، آمادگی اطلاعاتی، که باید شما از تمام نقشه
ها، کیدها و مکرهای دشمن آگاهی داشته باشید، آنها همیشه در فکر
نقشه و طرح و موضوعات و مسائلی هستند، که اگر غفلت بکنید در آن
صورت شما مورد آسیب قرار می گیرید، اطلاعات از جهت دشمن، از

جهت قوا و تجهیزات دشمن، نقشه های دشمن و اینکه در برابر آنها
خودمان چقدر تجهیزات دارد، با هم مقایسه می کنیم و همیشگی باید سعی
کنیم تفوق و برتری خودمان را به گونه ای که {ترهبون به عدو الله و
عدوكم} حفظ کنیم، این آمادگی اطلاعاتی است. حضرت امیرالمؤمنین
(ع) فرمودند: {من نام لم ینم عنه} کسی که به خواب برود دشمن به
خواب نمی رود، شما اگر به خواب بروید آنها بیدارند، از این جهت
همیشه باید بیدار و مواظب باشید. سوم آمادگی تسلیحاتی و تجهیزات
{و أعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله
و عدوكم} این آیه را بعد بحث می کنیم، آیه ۶۱ از سوره انفال است.

{و أعدوا لهم ما استطعتم من قوة} قوه و قدرت آن اندازه که می
توانید فراهم کنید، {و رباط الخیل} بحث مرابطه و رباط و مرز داری و
مرزبانی، حتی در مرزها اسب های آماده داشته باشید، آن موقع مرکب
مهم اسب بود {ترهبون به عدو الله و عدوكم} در حدی که عدو الله و
عدو خودتان را بتوانید بترسانید، آنها همیشه باید از شما ترس داشته
باشند، و واهمه داشته باشند {و لیجدوا فيكم غلظة} این طور باید باشد،
در آیه هست که {و آخرین من دونهم لا تعلمونهم الله يعلمهم} بعد از
ذکر {ترهبون به عدو الله و عدوكم} که دشمنان خدا و دشمنان شما، از
شما حساب ببرند غیر از دشمنان {و آخرین} افراد دیگری هم هستند که
باید از شما رعب داشته باشند {لا تعلمونهم} شما نمی دانید چه کسانی
هستند {الله يعلمهم} (که باید بعدا بحث کنیم) چون دشمنان ما را قرآن
معرفی کرده است یکی فرموده {لتجدن أشد الناس عداوة للذين امنوا
اليهود} یهود را اشد الناس عداوة معرفی کرده است و بعد از آن {و
الذين اشركوا} مشرکین آن روز، یکی هم {إن الکافرین کان لکم عدوا
مبینا} کل کفار دشمنان شما می باشند یکی در سوره منافقین {لکم
العدو فاحذرهم} منافقین را و کل کافرین را و یهود و مشرکین را عدو ما
حساب می کند، اما در این جا {و آخرین من دونهم لا تعلمونهم} غیر
از آنها هم دشمنانی دارید شما آگاه نیستید و خداوند آگاه است.

اول آمادگی علمی، دوم اطلاعاتی، سوم تسلیحاتی و تجهیزاتی،
چهارم آمادگی تمرینی و استراتژیکی، حالا فرض کنید که سلاح
تجهیزات خیلی فراوان، اگر شما مهارت نداشته باشید آشنایی برای
بکار بردن سلاح های جنگی نداشته باشید، کاری نمی توانید انجام
دهید، پس آمادگی تمرینی و بدنی هم لازم است. قرآن می گوید
{فانفروا ثبات او انفروا جميعا} ثبات یعنی دسته دسته و گروه گروه، یا
دسته دسته به طرف دشمن بشتابید یا همه با هم، خوب این "همه با هم"
خطاب به همه مسلمان ها است، پس باید بلد باشند تا بروند، پس یاد

این آیات کسانی را که منافق اند و نمی گذارند که مردم حرکت کنند و زمانی هم که حرکت می کنند، اینگونه با آنها برخورد می کنند، ذکر کرده است، سپس خداوند می فرماید {فلیقاتل فی السبیل الله} گوش به حرف منافقین ندهید {فلیقاتل فی السبیل الله الذین یشرون حیاة الدنیا و الاخرة} کسانی که می فروشند حیات دنیا و لذات دنیا را (این مثنی است) را و در مقابل آخرت را می گیرند، اینها قتال کنند، این تقریباً به آن آیه ای که قبلاً خواندیم {إن الله إشتري باموالهم و انفسهم بأن لهم جنة} در سوره توبه آنجا خداوند را مشتری حساب کرده بود خدا از مؤمنین اموال و جانیشان را خریده در راه بهشت، این آیه همان است، آنجا خداوند مشتری است اینجا فروشنده شما هستید در آنجا خریدار را اول ذکر می کرد اینجا فروشنده را می گوید سپس خریدار که خداست و فروشنده شما هستید، کسانی که می فروشند زندگی دنیا را در برابر بدست آوردن آخرت، اینها واجب است قتال کنند.

بعد نتیجه می گیرد {و ان یقاتل فی السبیل الله فیقتل او یغلب فسوف نوتیه اجرا عظیما} کسی که در راه خدا قتال کند کشته شود یا غالب شود فرقی نمی کند پس {فسوف نوتیه اجرا عظیما} اجری عظیم دارد، این اجر عظیم در برابر فوز عظیم است، آن منافق که نرفته بود می گفت که اگر من می رفتم غنیمت بدست می آوردم، غنیمت را فوز عظیم حساب می کرد اما اینجا کسی که در راه خدا قتال کند خداوند برای آنها اجر عظیم حساب می کند.

بحث ما در مورد آمادگی روحی است که باید افراد مسلمان دارای آمادگی روحی برای جهاد باشند. جهاد و شهادت طلبی یکی از موارد اشتیاق آنها باشد. علامه در تذکره جلد نهم چاپ جدید ص ۵۱ که از کتابهای بسیار بسیار پر ارزش است. تذکره و منتهی علامه فقه مقارن است، که ما چه میگوییم عامه چه می گویند، دلیل ما دلیل آنها، اثبات مزیت فقه مقارن ما بر فقه آنها، البته مبتکر اصلی این در میان شیعه شیخ طوسی است و خلاف شیخ طوسی اولین کتابی که فقه مقارن ماست بعد از آن معتبر محقق، فقه مقارن ماست بعد از آن تذکره و منتهی علامه حلی هر دو فقه مقارن اما، فرق این دو کتاب در چیست؟ یک وقت دیگر باید بحث شود (خودتان هم مطالعه کنید). تذکره جلد ۹ صفحه ۵۱ مسئله ۲۲ می فرماید که {لا یجوز للامام ولا للامیر من قبله أن یخرج معه من یخذل الناس و یثبطهم عن الغزو و یددهم فی الخروج} بعدا بحث می کنیم که جهاد امام لازم دارد یا بدون اذن امام و من یقوم مقام الامام هم می توان جهاد کرد، می گوید برای امام جایز نیست و نیز امیر من قبله، ایشان چهار طائفه را می گویند که به جنگ نبرید و قبل از

گرفتن فنون رزمی برای همه لازم است. (این را بعدا بحث خواهیم کرد که یکی از مقدمات و جوب جهاد این است که با فنون رزمی و نظامی آشنا باشند، چون مقدمه واجب، واجب است)، چهارم آمادگی تمرینی و بدنی است که بحث سبق و رمایه، یکی از ابواب فقهی ماست، برای همین است که همه مسلمان ها با بکار بردن آلات رزم آشنایی داشته باشند. پنجم آمادگی اقتصادی است، باید بودجه آنقدر داشته باشید، چون جنگ بودجه لازم دارد {و انفقوا فی السبیل الله و لاتلقوا بایدیکم الی التهلکة} آیه ۱۲۵ از سوره بقره، مربوط به همین موضوع است. اتفاق کنید و با دست خودتان هلاکت خود را فراهم نکنید، چون اگر بخواهید خرج نکنید، باعث هلاکت شما می شود، زیرا جنگ هزینه دارد. ششم آمادگی مرزبانی است، مرزها و حفظ مرزها خیلی مهم است. هفتم آمادگی روحی است، که فعلاً محل بحث ماست یعنی جهادگرانی که دارای روح جهاد باشند، این آیه هم این را متعرض می شود {و إن منکم لمن لیبطئن} ما به شما گفتیم که همه باید در حالت آماده باش باشید از جهات متعدد که عرض شد، ولی بدانید در میان شما افرادی هستند که {لیبطئن} اینها کند حرکت می کنند یا اصلاً حرکت نمی کنند و مردم را از حرکت باز می دارند. بطاً یعنی اشخاص را از حرکت باز داشتند، آیات طوری است که واقعا حرکت و روح ایجاد می کند، اما بدانید در میان شما منافقین وجود دارد، یعنی این یک نوع نفاق است {لیبطئن} اینها در تحرک جهادی کندی ایجاد می کنند یا اصلاً مانع حرکت جهادی می شوند. {و ان اصابتکم مصیبة} آنها با شما نیامدند و شما رفتید، {قال قد انعم الله علی} چقدر خوب شد ما نرفتیم، اگر مصیبتی به شما رسید در طی جهاد، زخمی ها و کشته ها بوجود آمد، ولی آنها در خانه خودشان نشسته اند و می گویند {قد انعم الله علی} خدا چه نعمتی به ما داده نعمت سلامت و نرفتن {اذ لم اکن معکم شهیدا} من نرفتم که با آنها که به شهادت برسم و اگر رفتید و غنیمت گرفتید و فاتح برگشتید {و ان اصابتکم فضل من الله} فضل من الله غنیمت جنگی است {لیقولن} انسانهای منافق می گویند. در اینجا یک جمله معترضه دارد {کأن لم تکن بینکم و بینة مؤدة} اینها آدم هایی هستند که نسبت به شما هیچ دلسوزی ندارند، شما رفتید و زخمی و کشته شدید خیلی خوشحال شدند و گفتند {قد انعم الله علی} اما حالا که رفته اید و با غنیمت برگشته اید همین ها که نسبت به شما دلسوزی نداشتند می گویند {یا لیتنی کنت معهم فأفوز فوزا عظیما} کاش ما هم رفته بودیم و از همین غنایم جنگی بدست آورده بودیم، مراد از فوز عظیم منافقین همان غنائم جنگی است که به همراه آورده اید بنابراین

بجای اینکه وحدت را تحکیم کنند عداوت را بوجود می آورند } بینهم بالنمیمه و یسعی بالفساد. ایشان یک آیه از قرآن می گویند(که بعدا بحث می کنیم) قال تعالی { لو خرجوا فیکم ما زادوکم الا خیالاً } در سوره توبه آیه ۴۷، خداوند فرموده این طور افراد را نبرید اگر بیابند جز فساد از آنها بوجود نمی آید، می گوید هر چند این افراد در ظاهر اعانت مسلمین را می خواهند نشان بدهند اما بدانید و بشناسید حتی اگر یکی از آنها امیر بود با آن حرکت نکنید، ما بعدا صفات فرماندهان سپاه و مجاهدین را می گوئیم، فقها را در صف اول قرار دهید کسانی که در علم فقه آشنایی دارند باید رد صف اول باشند، قاریان قرآن در صف دوم، افرادی که در تقوا سابقه بیشتری دارند در صف سوم خلاصه درجهاد یک صحنه ای را اسلام می خواهد مجسم کند که این صحنه یک صحنه الهی باشد بالاخره یا یقتل یا یغلب {قل لن یصیبنا الا احدی المحسنین} یکی از دو تا حسن، یا غلبه و پیروزی یا شهادت، به این عنوان و امید حرکت بکنند.

در نهج البلاغه که به تاریخ اش هم باید توجه کرد حضرت امیر (ع) اولین جنگی که انجام داد جنگ جمل بود در آن جنگ فاتح شد دومین جنگ، جنگ صفین بود که ۱۵، ۱۶ ماه این جنگ طول کشید خیلی جنگ عجیبی بود ۱۲۰ هزار لشکر معاویه و ۱۰۰ هزار لشکر امیرالمؤمنین و این جنگ، جنگ بسیار مهمی است، در این جنگ حضرت امیر می خواستند غالب شوند اما نقشه معاویه و عمرو عاص که قرآن ها و بالای نیزه زدن وبه این وسیله لشکر را سست کردند، باعث شد که این جنگ متوقف شود هرچه امیرالمؤمنین فریاد زدند این قرآن ها بالای نیزه حيله است ولی افرادی بودند که از نظر فرهنگ اسلامی قوی نبودند این حيله در آنها تأثیر کرد هرچه مالک اشتر فریاد زد که چیزی نمانده که ما فاتح شویم اما بالاخره این حيله اثر کرد، کار منجر شد به حکمین که یکی از آن طرف و یکی از این طرف، هر چه آنها بگویند، در اینجا عمروعاص از طرف شام و از طرف لشکر عراق ابو موسی اشعری که آدمی طالبانی، متحجر، مقدس نما (ظاهر بسیار خوب و مارخوش خط وخال) ولی ابله و نادان بود انتخاب شد، امیرالمؤمنین فرمودند حالا که قرار است حکمین باشد از طرف ما عبدالله ابن عباس انتخاب شود آن مقدس نما ها قبول نکردند. کلمات امام (رضوانه الله علیه) درباره مضررات مقدس نماها و آخوند های درباری خبیث خیلی زیاد است، خلاصه عمروعاص، ابو موسی اشعری را گول زد و کار را به نفع معاویه تمام کرد، آمدند و گفتند که معاویه شد خلیفه مسلمین و علی را کنار زدند خود نماینده امام علی، امام راکنار زد حضرت امیر خیلی

حرکت، شما باید اول جبهه خودتان را پاک سازی کنید، چهار طائفه را نبرید زیرا باعث می شود که کار شما پیشرفت نکند. کسی که اگر همراه ببرید شما را از جهاد باز می دارد و مانع شما می شود و شما را به تزلزل می اندازد {کمن یقول الحر شدید و المشقه عظیمه المسافه بعیده و الکفار کثیرون و المسلمون اقل} از این قبیل حرفها، آنها آدمهایی هستند که آن مقاومت روحی لازم را ندارند از این جهت می گویند هوا خیلی گرم است یا خیلی سرد است، مشقت زیادی دارد، قرآن هم که گفت و خواندیم که {ذلک بانهم لا یصیبهم ظماء...} یعنی خستگی هست، تشنگی هست، پستی و بلندی بیمودن هست، چون که جهاد است. ما بعدا می گوئیم که خدا در قرآن می فرماید که مسلمانان را با جهاد امتحان می کنیم {و لنبلونکم حتی نعلم المجاهدین منکم} در دنیا رویکرد و واقعه زیاد است اما آنچه که غربال می کند مسلمانان را جهاد است، ما شما را امتحان می کنیم تا بدانیم که مجاهدین چه کسانی هستند این است که کسانی که می گویند {الحر شدید او البرد شدید و ما نومن هزیمتهم} اینها را باخود نبرند این طائفه اول که دارای روح قوی نیستند زیرا جهاد اراده و تصمیم و شهامت و شجاعت و استقامت می خواهد آنها نباید بروند از ابتدا نباید برد.

دوم، {ولا المرحف} مرجفین (شایعه سازان) را نبرید آنها می گویند {هلاک سریة المسلمین} این که ما می خواهیم برویم از اول نابود می شویم {لا طاقة لکم بهم} شما طاقت جنگیدن در برابر دشمن را ندارید و آنها خیلی قوی هستند {و لهم قوه و شوکه} دشمن قوت دارد آنها دشمن را تعریف و تمجید می کنند و مدیحه سرای دشمن هستند. این گروه افراد که به شایعه می پردازند و بوسیله شایعه و دروغ روحیه شما را تضعیف می کنند، اینها را همراه نبرید آنها را شناسایی کنید و همراه نبرید چون جهاد یک امر روحی است.

سوم، {و لا من یعین علی المسلمین بالتجسس للکفار} کسانی که در میان شما هستند ولی جاسوس کفارند اخبار شما و قدرت های شما را به دشمن خبر می دهند کسانی که علیه شما گام بر می دارند و تجسس و مکاتبه می کنند و {اطلاعهم علی عوراتهم} چون هر لشکری عوراتی دارد، عورات یعنی اسرار نظامی که باید این اسرار نظامی خودمان بدانیم اگر دست دشمن بیافتد راهی پیدا می کنند برای نفوذ به آنها و شکست ما، به همین دلیل جاسوس ها را شناسایی کنید و همراه نبرید.

چهارم، {و لا من یوقع العداوة بین المسلمین} کسانی که بین مسلمانان عداوت ایجاد می کنند افرادی هستند که سخن چین هستند

دین را ادا نکند و امروز و فردا می کند، مطول صفت مشبهه است مطل، یمثل مثل صبور بعضی از مدیون ها هستند که سراغشان که می روی دارند ولی امروز و فردا می کنند، دفاع شما همین طور است، لا یمنع الضیم الذلیل (الذلیل فاعل است) آدمی که تن به ذلت بدهد و روحیه قوی ندارند هرگز نمی تواند جلو ظلم را بگیرد (ولا یدرک الحق الا بالجد) و حق بجز با جدیت بدست نمی آید حق گرفتنی است و کسی که حق را می خواهد بگیرد باید قوی باشد حق خود را از دهان شیر باید گرفت. چندین خطبه از حضرت امیر (ع) در مورد این موضوع است که نکات آموزنده ی فراوانی دارد که بعدا بحث می کنیم. خطبه ۱۸۱ بسیار عجیب است حضرت علی (ع) رفتند بالای منبر برای دعوت مردم به جهاد ولی چه مردمی! دیگر آن افرادی که روحیه قوی داشتند رفتند، {ما ضرّ اخواننا الذین سفکت دمائهم وهم بصفین الا یكونوا الیوم احياء} نگاهی کرد به افرادی که جمع شده بودند به یاد شهدای جنگ صفین افتاد گفت برادران ما که در جنگ صفین کشته شدند خونشان ریخته شد ضرر نکردند که امروز ببیند من در چه عالمی هستم، {قد والله لقوا الله فوقاهم أجورهم}، {أین اخوانی الذین رکبوا الطريق ومضوا علی الحق} آن برادرانی که راه حق را پیمودند و به حق رسیدند {أین عمار؟ وأین ابن التیهان؟ وأین ذوالشهادتین} اینها کجا هستند، الان در سوریه که از دمشق به حلب بروی یک صحنه ای است که جنگ صفین آنجا بوده است کنار شریعه فرات آن طرف عراق است و این طرف سوریه آنجا دولت اسلامی ایران گنبد و بارگاه هایی برای عمار، ابن تیهان، اویس قرنی، ذو الشهادتین درست کرده است که بسیار دیدنی است و بسیار زحمت کشیده اند، آنها در جنگ صفین به شهادت رسیدند اینها کجا هستند {وأین نظراوهم من إخوانهم الذین تعادوا علی المنیة} که اینها با مرگ پیمان خون بستند {وابرد بروسهم الی الفجرة} سرهای اینها به عنوان هدیه برای فجرة بردند، ثم ضرب بیده علی لحيته الشریفة الکریمة فاطال البکاء} حضرت امیر دست زد به محاسن خود و گریه طولانی کردند خیلی عجیب است إن شاء الله فردا بحث می کنیم.

متأثر شدند (نهج البلاغه خیلی کتاب قوی است) و گفتند {الحمد لله و ان آتی الدهر بالخطب الفادح و الحدث الجلیل} خدا را شکر می کنیم ولی روزگار جریان سنگینی را بوجود آورد ولی خوب دیگر چه باید کرد، حالا همان هایی که به حکمیت اصرار داشتند برگشتند و خوارج نهروان شدند همان مقدس نماها، گفتند ما اشتباه کردیم، توبه کردیم هر کس هم که توبه کند ما کاری با او نداریم ولی اگر توبه نکند او می کشیم، شروع کردن به کشتن افراد و حتی به سراغ امیرالمؤمنین هم رفتند که تو هم کافر شدی (نعوذ بالله) و باید توبه کنی و الا می کشیمت این جریان رفته رفته باعث شد که جنگ نهروان بوجود بیاید بالاخره امیرالمؤمنین در این جنگ هم فاتح شد ولی مسلمان ها دیگر آن روحیه جهاد را از دست دادند یعنی عمار و یاسرها، اویس قرنی ها، ذوالشهادتین و امثال اینها در جنگ صفین آن قهرمانان میدان جهاد، کشته شدند و افرادی ماندند که روحیه جهادی ضعیف داشتند، امیرالمؤمنین روحیه آنها را تشجیع می کند برای جهاد با معاویه چندین خطبه در نهج البلاغه در این مورد است، مثلا بعضی از آنها این است خطبه ۲۹ {یا ایها الناس مجتمعة ابدانهم المختلفة اواهرم فاذا جاء القتال حیدی حیاد} حضرت مردم را جمع می کرد و برایشان صحبت می کرد، ای کسانی که بدن های شما یک جا جمع است ولی افکارتان متفاوت است آن عشق به جهاد، تمرکز افکار و قوا همه اش در مورد جهاد نیست، کلام شما، {کلامکم یوهی الصم الصلاب} حرف های شما سنگ های سخت را نرم می کند {فعلکم یطعم فیکم الاعداء} لاف و گزاف می زنی ولی کار شما دشمنان را به طمع می اندازد چون حرکت که می کنید سست حرکت می کنید با هم اختلاف دارید، قول می دهید حاضر نمی شوید، {تقولون فی المجالس کیت وکیت} در مجالس که حرف می زنی چنین و چنان می گوئی، کیت وکیت اسم فعل است یعنی چنین و چنان می گوئی، حرف های شما خیلی نرم است {فاذا جاء القتال قلت حیدی حیاد}، جنگ که می شود فرار می کنی حید حیاد کلمه ای بوده که فرار کنندگان از جنگ استفاده می کردند یعنی راه بدهید راه بدهید برای فرار، خلاصه امیرالمؤمنین با این چنین افرادی بودند.

{ما عزت دعوة من دعاکم} دعوت کسی که شما را بخواهد پیشرفت نمی کند، {و لا استراح قلب من قاساکم} دلی که زحمت شما را کشیده آسایش و راحتی ندارد {اعالیل باضالیل} یعنی تعللتم باعالیل، اعالیل جمع أعلال است و أعلال جمع علة است می شود جمع الجمع، علت و بهانه هایی می آورید که همه گمراه کننده است، {دفاع ذی الدین المطول} دفاع می کنید از خودتان ولی دفاع آدم مدیونی که می خواهد